

آیا در منابع شیعه روایت معتبری درباره معجزات پیامبر (ص) نقل شده است؟

سوال کننده : محبد

با توجه به اینکه معجزات فراوانی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است در این خصوص می‌خواستم چند روایت معتبر از منابع شیعه برایم نقل کنید؟

پاسخ :

در خصوص معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و حتی ائمه علیهم السلام در منابع اهل سنت و شیعه، موارد فراوانی ذکر شده است که در مقاله جداگانه‌ای به معجزات ائمه علیهم السلام آنهم در منابع اهل سنت، پرداخته شده است که به زودی در سایت قرار داده می‌شود اما از آنجا که سوال شما در خصوص معجزات پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می‌باشد، به عنوان نمونه به چند مورد، با سند معتبر اشاره می‌کنیم:

روایت اول : اطاعت دو درخت از پیامبر (ص) و ایمان آوردن شخصی

محمد بن حسن صفار روایت معتبری را در این خصوص نقل می‌کند که شخص غیر مسلمانی از پیامبر صلی الله علیه و آله معجزه خواست تا ایمان بیاورد تا اینکه حضرت به دو درخت که در کنارش بودند دستور داد تا از جای خود حرکت کنند آنها نیز حرکت کردند آن شخص با دیدن این معجزه ایمان آورد:

حدثنا أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد و علي بن الحكم جميعا عن محمد بن أبي عمير عن حماد بن عثمان عن أبي عبد الله ع قال: إن من الناس من يؤمن بالكلام و منهم من لا يؤمن إلا بالنظر إن رجلا أتى النبي ص فقال له أرني آية فقال رسول الله ص لشجرتين اجتمعا فاجتمعتا ثم قال تفرقا فافترقا و رجع كل واحدة منهما إلى مكانهما قال فأمن الرجل

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: برخی از مردم به وسیله‌ی سخن، ایمان می‌آورند و برخی دیگر جز با دیدن معجزه ایمان نمی‌آورند. روزی مردی به محضر رسول خدا رسید و به ایشان گفت: معجزه‌ای نشانم بده. رسول خدا به دو درختی که در کنار وی بودند گفتند: کنار هم قرار بگیرید آن دو درخت در کنار یکدیگر قرار گرفتند. سپس به آن دو درخت دستور داد تا از یکدیگر فاصله بگیرند و آن دو فاصله گرفتند و هر کدام در جای سابق خود مستقر شدند. آنگاه آن مرد ایمان آورد.

الصفار ، محمد بن الحسن بن فروخ وفات : 290 ، بصائر الدرجات، ص 273، تحقیق : تصحیح و تعلیق و تقدیم: الحاج میرزا حسن کوچه باغی سال چاپ : 1404 - 1362 ش ناشر : منشورات الأعلمی - طهران چاپخانه : مطبعة الأحمدي - طهران

بررسی سند :

احمد بن محمد

نام وی احمد بن محمد بن عیسی می‌باشد که دارای توثیقات فراوان است

نجاشی گوید:

أبو جعفر رحمه الله شيخ القميين و وجههم و فقيههم غير مدافع

ابوجعفر از چهره‌های شیخ و سرشناس و فقیه قم بود که در برابرش کسی نبود (یکه تاز)

رجال النجاشي، ص 83

شیخ طوسی درباره او گوید:

الأشعري القمي ثقة له كتب.

رجال الطوسي / أصحاب أبي الحسن ... / باب الهمزة / 351

وي همچنین در جای دیگر گوید:

در فهرست نیز گوید:

أحمد بن محمد بن عيسى... أبو جعفر هذا شيخ قم و وجهها و فقيها غير مدافع... لقي أبا الحسن الرضا عليه السلام. و
صنف كتباً

احمد بن محمد شیخ قمی است و از چهرهای سرشناس و فقیهی بود که در برابرش کسی نبود (یکه تاز) و امام رضا علیه السلام را ملاقات کرده و کتابهایی را تصنیف کرده است.

فهرست الطوسي، اب الهمزة / باب أحمد / 60

ابن داود درباره وثاقت او گوید:

أحمد بن محمد بن عيسى... شيخ قم و وجهها و فقيها غير مدافع له كتب [كش]:... كان شيخ القميين و رئيسهم و فقيهم
لقي أبا جعفر الثاني عليه السلام و أبا الحسن الثالث عليه السلام.

احمد بن محمد بن عیسی... شیخ قم و سرشناس و فقیه یگانه بود... او شیخ و رئیس و فقیه قمیها بود.

رجال ابن داود / الجزء الأول من... / باب الهمزة / 43

علامه حلی نیز گوید:

أحمد بن محمد بن عيسى... و أبو جعفر شيخ قم و وجهها و فقيها غير مدافع و كان أيضا الرئيس الذي يلقي السلطان بها
و لقي أبا الحسن الرضا عليه السلام و أبا جعفر الثاني و أبا الحسن العسكري عليهما السلام و كان ثقة و له كتب ذكرناها في
الكتاب الكبير.

.. او فقیه قم و ثقه بود سرشناس، و فقیه بود امام رضا، امام جواد، امام عسکری علیهم السلام را ملاقات کرده و مورد
اطمینان بود.

الخلاصة للحلي / الفصل الأول في الهمزة / الباب السابع أحمد ص 13

حسين بن سعيد

نام وی حسین بن سعید بن حماد می باشد

شیخ طوسی درباره او گوید:

الحسين بن سعيد بن حماد بن سعيد بن مهران من موالي علي بن الحسين عليهما السلام الأهوازي ثقة

فهرست الطوسي / ص 150

در رجال نیز گوید:

المصنفات الأهوازي ثقة

رجال الطوسي /ص355

علامه حلي نیز می نویسد:

ثقة عين جليل القدر

الخلاصة للحلي /ص49

علي بن حکم

علي بن حکم انباري در رجال جنين توثيق شده است

شيخ طوسي گوید:

ثقة جليل القدر

او ثقة و جليل القدر است

فهرست الطوسي /ص264

علامه حلي نیز می نویسد:

ثقة جليل القدر

الخلاصة للحلي /ص93

البته علي بن حکم و حسين بن سعيد روايت را هر دو باهم از ابن ابي عمير نقل کرده اند.

ابن ابي عمير

وي از اصحاب اجماع می باشد

نجاشي در باره ایشان آورده است:

محمد بن أبي عمير زياد بن عيسى أبو أحمد الأزدي ... ، جليل القدر عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين .

محمد بن ابي عمير ... يك شخصيت جليل القدر و بزرگ منزلت در نزد ما و اهل سنت است.

رجال النجاشي - النجاشي - ص 326

شيخ طوسي نیز در رجال او را توثيق کرده است:

ثقة

رجال الطوسي ، ص365

کشي او را از اصحاب اجماع دانسته و گوید:

أجمع أصحابنا على تصحيح ما يصح عن هؤلاء و تصديقهم و أقرروا لهم بالفقه و العلم و هم ستة نفر

گروه اماميه اجماع و اتفاق دارند بر پذيرش و راست انگاشتن سخن و روايت آنها و بر فقه و علم آنها اقرار کرده اند و آنها شش

نفرند

رجال الكشي ، ص556

حماد بن عثمان بن عمرو

او از اصحاب اجماع به شمار می‌رود؛ یعنی از کسانی است که اگر روایتی با سند صحیح به او منتهی شود، تمام شیعیان بر قبول و تصحیح آن اتفاق دارند. در رجال کشی چنین آمده است:

أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح من هؤلاء وتصديقهم لما يقولون وأقروا لهم بالفقه، من دون أولئك الستة الذين عدناهم وسميائهم، ستة نفر: جميل بن دراج وعبد الله بن مسكان، وعبد الله بن بكير، وحماد بن عيسى، وحماد بن عثمان، وأبان بن عثمان.

رجال الكشي، ج2، ص673، رقم: 705.

علاوه بر این حماد بن عثمان توسط بزرگان علم رجال شیعه نیز توثیق شده است؛ از جمله نجاشی او و برادرش را توثیق کرده است:

كان يسكن عرزم فنسب إليها، وأخوه عبد الله ثقتان.

رجال النجاشي، ص143.

و شیخ طوسی می‌گوید که او مورد اعتماد و گرانقدر بوده است؛

حماد بن عثمان الناب، ثقة، جليل القدر.

الفهرست، ص115.

حلی نیز گوید:

و أخوه عبد الله ثقتان

همچنین گوید:

ثقة جليل القدر

الخلاصة للحلي، ص56

بنابراین روایت صحیح است البته روایت در خصوص معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اطاعت درختان از حضرت، فراوان است که فقط یک مورد را ذکر کردیم همچنانکه یکی از محققین گوید:

وإطاعة الشجر لرسول الله كثير في بداية الدعوة

اطاعت (این نوع معجزه) درخت از پیامبر صلی الله علیه و آله در ابتدای دعوت مردم فراوان است

السيد علي عاشور، الولاية التكوينية لآل محمد (ع)، ص 175

روایت دوم: خبر دادن پیامبر (ص) از حال شتر پیر

روایت در خصوص شتر پیری می‌باشد که می‌خواستند او را نحر بکنند اما او به پیامبر صلی الله علیه و آله پناه برد و از صاحب خود شکایت کرد

محمد بن حسن صفار روایت را چنین نقل کرده است:

حدثنا أحمد بن الحسن عن علي بن فضال عن أبيه و أحمد بن محمد عن الحسن بن علي بن فضال عن عبد الله بن بكير عن زرارة عن أبي عبد الله ع قال: إن ناضحا كان لرجل من الناس فلما أسن قال بعض أصحابه لو نحرتموه فجاء البعير إلى رسول الله ص فجعل يرغو فأرسل رسول الله ص فجعل يرغو إلى صاحبه فلما جاء قال له النبي ص إن هذا يزعم أنه كان لكم شابا حتى

هرم و أنه قد نفعكم و أنكم أردتم نحره قال فقال صدق فقال رسول الله ص لا تنحروه و دعوه قال فتركوه

امام صادق عليه السلام فرمود: شخصی، شتر آبکشی داشت و چون سالخورده شد یکی از خاندانش گفت: کاش آن را نحر می‌کردید آن شتر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و فریاد می‌کشید، رسول خدا صاحبش را خواست و فرمود: این شتر می‌پندارد که از جوانی تا کنون به شما خدمت کرده و به شما فایده رسانیده و اکنون که پیر شده می‌خواهید او را بکشید آن شخص گفت شتر راست گفته. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را نکشید و رهایش کنید امام فرمود: آن را رها کردند.

الصفار، محمد بن الحسن بن فروخ (متوفای 290)، بصائر الدرجات، ص 273، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الحاج میرزا حسن کوچه باغی سال چاپ: 1404 - 1362 ش ناشر: منشورات الأعلمی - طهران چاپخانه: مطبعة الأحمدي - طهران

بررسی سند

این روایت با دو طریق ذکر شده است که به بررسی یک طریق آن می‌پردازیم

احمد بن محمد

توثیق او در روایت اول گذشت

حسن بن علی بن فضال

برخی گفته‌اند وی فطحي بود اما در آخر عمرش شیعه شده است

ابن داود در این خصوص گوید:

کوفي یکنی أبا محمد [کش جش] کان فطحیا و رجع عند موته.

رجال ابن داود، الجزء الثاني... ف باب الحاء المهملة ص 441

هر چند برخی گفته‌اند او فطحي بوده است، اما ثقه بوده است

شیخ طوسي درباره او گوید:

الحسن بن علی بن فضال مولى لتیم الرباب کوفي ثقة

رجال الطوسي، أصحاب أبي الحسن... باب الحاء، ص 354

البته علامه حلی نیز در خصوص او گوید:

روی عن الرضا علیه السلام و کان خصیصا به و کان جلیل القدر عظیم المنزلة زاهدا ورعا ثقة فی روایاته

از امام رضا علیه السلام نقل روایت کرده و از شاگردان خصوصی امام رضا علیه السلام بود و او جلیل القدر دارای منزلت بلند، زاهد، باورع و در در نقل روایت ثقه بوده است.

الخلاصة للحلی، ص 38

عبد الله بن بکیر

وی از اصحاب اجماع می‌باشد

کشی در این باره گوید:

أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح من هؤلاء و تصديقهم لما يقولون و أقروا لهم بالفقه

رجال الكشي، ص 375

شیخ طوسی نیز گوید:

فطحي المذهب إلا أنه ثقة

فهرست الطوسي، ص 304

در رجال ابن داود نیز آمده است:

عبد الله بن بكر الشيباني [ست] فطحي ثقة يکنى أبا عتبة.

رجال ابن داود [الجزء الثاني]... باب العين المهملة ص 467

زرارة بن اعين

وي از اصحاب اجماع مي باشد

کشی در کتاب رجال خود، ایشان را از اصحاب اجماع مي داند و تصريح مي کند که او يکي از افرادی است که تمام شیعیان بر تصدیق روایاتی که سندش به صورت صحیح به آنها برسند، اجماع دارند:

قال الكشي اجتمعت العصابة على تصديق هؤلاء الأولين من أصحاب أبي جعفر ع و أبي عبد الله ع و انقادوا لهم بالفقه فقالوا

أفقه الأولين ستة زرارة و معروف بن خربوذ و بريد و أبو بصير الأسدي و الفضيل بن يسار و ...

رجال الكشي، ص 238

نجاشي گوید:

شيخ أصحابنا في زمانه و متقدمهم و كان قارنا فقيها متكلم شاعرا أدبياً قد اجتمعت فيه خلال الفضل و الدين صادقا فيما

يرويه

او از بزرگان اصحاب ما در زمان خود و پیش تاز از آنها بوده و قاری، فقیه، متکلم، شاعرو ادیب بود و همه صفات برتری و فضیلت و کمال در او گرد آمده بود و در آنچه نقل می کرد صادق بود.

رجال النجاشي، ص 175

علامه حلی نیز این مطلب را نقل کرده است

الخلاصة للحلي، ص 76

شیخ طوسی گوید:

ثقة

رجال الطوسي، ص 337

این روایت نیز همچنان که بررسی شد، معتبر است

روایت سوم: برگشتن باران با اشاره پیامبر (ص) از شهر تا مردم غرق نشوند

روایتي معتبري را کلینی در این خصوص چنین نقل می کند که آنچنان باران بارید که مردم احساس کردند اگر این باران

ادامه داشته باشد، همه غرق می‌شوند لذا پیامبر صلی الله علیه و آله به باران اشاره کرد که درون شهر نبارد.

علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله ع قال: لما استسقى رسول الله ص و سقي الناس حتى قالوا إنه الغرق و قال رسول الله ص بيده و ردها اللهم حوالينا و لا علينا قال فتفرق السحاب فقالوا يا رسول الله

استسقيت لنا فلم نسق ثم استسقيت لنا فسقينا قال إني دعوت و ليس لي في ذلك نية ثم دعوت و لي في ذلك نية

امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله طلب باران کرد و برای مردم باران آمد تا جایی که گفتند: غرق می‌شویم و رسول خدا (ص) با دست مبارک خود اشاره کرد و آنها (باران) را برگرداند، و گفت: خدایا به اطراف ما باران را بفرست و بر ما نفرست، پس ابرها پراکنده شدند به حضرت عرض کردند: ای رسول خدا يك بار دیگر نیز برای ما طلب باران کردی ولی باران بر ما نبارید و دومین بار که طلب باران کردی بر ما بارید؟ (این چگونه بود؟) فرمود: من (در اولین بار که) دعا کردم تصمیم بدان نداشتم، سپس که دعا کردم تصمیم داشتم.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ج 2، ص 474، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق.

این روایت را علامه مجلسی معتبر دانسته است

الحديث الخامس: حسن كالصحيح.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج 12؛ ص 26، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: دوم، 1404 ق.

شیخ هادی نجفی نیز در موسوعة الاحادیث در خصوص سند روایت گوید:

الرواية صحيحة الإسناد

الشيخ هادي النجفي، موسوعة أحاديث أهل البيت (ع) ج 3، ص 429، دار إحياء التراث العربي للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان ناشر: دار إحياء التراث العربي للطباعة والنشر، چاپ: الأولى سال چاپ: 1423 - 2002 م

البته معجزات فراوان و گوناگون دیگر نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که به این چند مورد بسنده کردیم

میراث باقی ماند

بزرگوار پاسخ به شبهات

موسسه تحقیقات حضرت ولی عصر عجل الله فرجه